

## جلسه مشترک چپ کمونیست در دفاع از انقلاب اکتبر

در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۹۷ سازمان کارگران کمونیست (COW) و جریان کمونیست بین المللی (ICC) جلسه مشترک عمومی را در گرامیداشت هشتادمین سالروز انقلاب روسیه برگزار نمودند. نظر هر دو تشکیلات بر این بود که، برای اینکه بتوان با تمام قوا به حجم حملات بورژوازی در این دوره از تاریخ جنبش کارگری پاسخ گفت، یک جبهه مشترک ضروری است. انقلاب اکتبر، هنگامیکه طبقه کارگر قدرت سیاسی را بدست گرفت، تاکنون بزرگترین پیروزی برای مبارزه پرولتری بوده است.

اما تنها اهمیت عظیم این واقعه تاریخی نبود، که موجب گشت تا COW و ICC جلسه مشترکی را ترتیب دهند. سازمانهای درون چپ کمونیست دارای موقعیت های استثنایی هستند تا وزنه ای در مقابل افتراهای بورژوازی درباره انقلاب اکتبر باشند. در طی هفتاد سال اخیر چپ کمونیست تنها جریان سیاسی بوده است که با تاکید بر علل واقعی انحطاط انقلاب اکتبر از جوهر پرولتری آن دفاع کرده است تا به این ترتیب، مقدمات انقلاب آتی را فراهم سازد. جلسه مشترک این دو مهمترین گروه درون چپ کمونیست در بریتانیا، مردم بیشتری را در مقایسه با جلسات جداگانه هر یک بخود جلب نمود. در اینجا ما اولین خط مشترک حقانیت یافته را مشاهده میکنیم: یک پژواک بزرگتر برای مکان سیاسی چپ کمونیست. بزرگترین دستاورد جلسه مشترک این بود که، ترسیم یک خط طبقاتی روشن درباره انقلاب اکتبر و حزب بلشویک را امکانپذیر ساخت.

جلسه با معرفی بحث که بطور مشترک آماده شده بود آغاز شد، و از پیشرویهایی که انقلاب اکتبر در برداشت، در مغایرت با آنچه که عوامل "رسمی" بورژوازی و در عین حال عوامل غیر رسمی آن مثل آنارشئیستها و دوستان دروغین انقلاب اکتبر در درون چپ مانند استالینیستها، مائوئیستها و تروتسکیستها میگویند، دفاع نمود. این نکات در مقاله ای در شماره ۸ نشریه "چشم اندازهای انقلابی" بطور جامع تری بیان شده است. بعد از معرفی بحث خط فاصل روشنی بین آنانی که از سیاست و رویه کار کمونیستهای چپ دفاع مینمودند و آنهایی که آنرا مورد سؤال قرار میدادند، شکل گرفت. اگرچه در جلسه هیچکس آشکارا از کمپین بورژوازی دفاع نکرد. آنهایی که سیاست چپ کمونیست را مورد سؤال قرار داده بودند سمپاتهای نشریات Radical Chains و Aufheben بودند باوجود اینکه به عنوان افراد منفرد اظهار نظر میکردند. و باوجوداینکه ادعا نمودند که "طرز فکر چپ کمونیست در ارتباط با انقلاب اکتبر" را مثبت تلقی میکنند، استدلال نمودند که حزب بلشویک در همان زمان به یک برنامه بورژوایی مجهز بود که قصد داشت بر شوراهای کارگری دیکتاتوری اعمال نماید.

چنین انتقادی آشکارا این نظرات بورژوازی را مورد حمایت قرار میدهد، که انقلاب اکتبر کودتایی و رژیم بعد از آن یک دیکتاتوری بود، رهبری شده از سوی یک دسته اشخاص تشنه قدرت درحول لنین. این نقدها به هیچ شکلی نتوانستند، آن نقشی را که حزب بلشویک در نیروی پرولتری آیندوره داشت، نشان دهند. اما این طرزفکر، آنها را ناگزیر ساخت تا خود را به منشیویکها، که به بورژوازی پیوستند تا مشترکاً در انقلاب خرابکاری نمایند، نزدیک گردانند. همانطور که یکی از رفقا اشاره نمود منطق آنچه که این منتقدین گفتند چنین میشد که انقلاب اکتبر هرگز نمی بایست بوقوع می پیوست!

گفته میشد که این انتقاد از سوی یک دیدگاه بیطرف طرح شده است. این دیدگاه، درحال ارائه یک سیاست انقلابی بود، تا از معضل دهه ۲۰ خلاصی یابد. و اعلامیه ای را نیز با عنوان "پس از کرنشات" در جلسه پخش کردند. بااین حال رفقای چپ کمونیست براین نکته پافشاری نمودند که خطای حزب بلشویک را تنها برپایه سنت های انقلابی ای که حزب بلشویک بخشی از آن بود، میتوان درک نمود. در یک جامعه طبقاتی حالت بیطرفی در هیچ جا و یا در هیچ نهادی وجود ندارد که بتوان بر مبنای آن نقد مستقلی ارائه نمود. انسان یا برعلیه و یا به نفع تاریخ و میراث طبقه کارگر است. حالت بیطرفی اغلب در پشت صفوف دشمن جای میگیرد. چپ کمونیست استدلال نمود که میان حزب بلشویک و طبقه کارگر به عنوان یک کل، وحدت عمیقی وجود داشت، بیشتر از آن دشمنی که منتقدین بدان اشاره دارند. بلشویکها در آوریل ۱۹۱۷ قادر بودند تا برنامه خود را بطوری که بیانگر جنبش انقلابی طبقه کارگر باشد تغییر دهند: جنگ جهانی اول، انقلاب جهانی سوسیالیستی را در دستور تاریخی

روز قرار داده بود و فقط شوراها توانستند ابزاری برای عملی کردن آن باشند. حزب بلشویک پیشقراول طبقه کارگر بود که نه تنها به شکل تعیین کننده ای بر طبقه کارگر تأثیر نهاد بلکه همچنین به نوبه خود از آن تأثیر پذیرفت. در اکتبر، برانداختن حکومت بورژوازی توسط کمیته نظامی انقلابی صورت گرفت که مرکب از نمایندگان شوراها بود. این مسئله امر خصوصی حزب طبقاتی نبود. به موازات آن، حزب بلشویک و بویژه لنین بر این عقیده بودند که سوسیالیسم تنها میتواند از طریق فعالیت طبقاتی خود طبقه کارگر عملی گردد.

مهمترین دلیل انحطاط انقلاب روسیه نه در قدرت طلبی حزب بلشویک در قبال طبقه کارگر، بلکه در ایزوله شدن انقلاب قرار دارد. حزب بلشویک انقلاب اکتبر را اولین قدم در راه انقلاب جهانی میدید و به همین دلیل در سال ۱۹۱۹ تشکیل انترناسیونال کمونیستی را تسریع بخشید. سوسیالیسم در یک کشور، برخلاف آنچه که ضدانقلاب استالینی ادعا میکرد، غیرممکن بود. ضعف انقلاب در اینکه خود را بسرعت در سایر کشورهای اروپایی گسترش دهد، بویژه در آلمان، همراه با ضدانقلابی که توسط قدرتهای امپریالیستی در خاک روسیه براه افتاد، شرایط را برای ادامه حیات دیکتاتوری پرولتاریا بسیار دشوار ساخت. بوجود آوردن مناسبات اجتماعی جدید، تا زمانی که مناسبات کهنه توسط سرمایه داری جهانی پابرجا نگاه داشته میشود، امکانپذیر نیست.

چپ کمونیست اولین جریان سیاسی در درون انترناسیونال کمونیستی بود که بر علیه انحطاط انقلاب روسیه دست به مبارزه زد. چیزی که سرانجام آنها را قادر گردانید تا درک روشنی از آموزشهایی که میتوان برای آینده استخراج نمود، ارائه نمایند. بخشی از این آموزشها در معرفی طرح گردید و مورد بحث قرار گرفت، مانند نیاز به حزب انقلابی تمرکز یافته بین المللی و اینکه این حزب نمیتواند اداره نظم پرولتری را که پس از درهم شکستن دولت بورژوازی بوجود می آید، برعهده گیرد.

منتقدین ما با وجود اینکه بیرق نوگرایی بدست گرفته بودند قادر نگشتند از گرایشات سیاسی که ۸۰ سال پیش نشان دادند ارتجاعی اند، به شکل روشنی خود را تفکیک نمایند.

همچنین از سوی یکی از شرکت کنندگان، اعتبار "نمونه بلشویکی" برای سده آینده زیر علامت سؤال قرار گرفت. چپ کمونیست پاسخ داد که: در برخی از مسائل پایه ای انقلابیون میبایست از نمونه بلشویکی "واقعاً دفاع نمایند. حزب بلشویک در سال ۱۹۱۷ اعلام نمود، جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی تبدیل کنید. همین نظر را امروز انقلابیون میبایست درباره بربریت امپریالیستی کنونی داشته باشند. تنها انقلاب پرولتری میتواند به جهان مدرن صلح ارزانی دارد، همانگونه که انقلاب ۱۹۱۷ توانست و عملاً نیز چنین نمود. بلشویکها استدلال سوسیالیستها را، که می خواستند طبقه کارگر خود را تسلیم دمکراسی بورژوازی و جنگ نماید، رد نمودند و در عوض خواست، همه قدرت بدست شوراها، را طرح کردند. در نبردهای انقلابی آتی کمونیستها همین شعار نبرد را مجدداً در مقابل ندای پارلمانتاریسم پیش خواهند کشید.

این جلسه مشترک عمومی نشان داد که در درون چپ کمونیست، درباره مسائل اساسی حول کسب قدرت سیاسی در سال ۱۹۱۷ وحدت واقعی وجود دارد. این مسئله نه تنها در معرفی مشترک بحث و استنتاج نهایی آن بلکه همچنین در استدلالات متوازن و روشهایی که از سوی مبارزین COW و ICC در مباحثات بکار گرفته میشد نشان داده شد. به همین ترتیب سمپاتهای هر دو تشکل از نقطه نظرات سیاسی چپ کمونیست حمایت نمودند. دخالت گری متحدانه دو تشکل و سمپاتهای ما در این نشست برای چپ کمونیست امکانپذیر ساخت تا این وظیفه را، که تنها چپ کمونیست قادر به اجرای آن است، دنبال نماید: دفاع از تجربیات پرولتری انقلاب اکتبر با شوراها کارگری و حزب طبقاتی اش، برای تدارک انقلاب کمونیستی فردا.

سازمان کارگران کمونیست  
جریان کمونیست بین المللی

۱۹۹۷/۱۲/۶